

عنوان درس:	درس خارج فقه الصلاة	سال تحصیلی: 1399-1400	تاریخ درس:	1399/9/4
عنوان فرعی 1	شروط التقصیر			
عنوان فرعی 2	جلسه 33			
عنوان فرعی 3	اقوال فقهاء در لا یرید الرجوع لیومه			
مقرر:	حجت الاسلام و المسلمین سجاد آریس و اصغر حیدری			

شروط التقصیر :

اقوال فقهاء در لا یرید الرجوع لیومه :

بحث ما در اقوال فقهاء در فرض مسافت تلفیقیه ای بود که لا یرید الرجوع لیومه ، گفتیم اونجا که یرید الرجوع لیومه ظاهراً اختلافی نیست که مسافت تلفیقی هم مثل مسافت امتدادی قصد 8 فرسخ موجب وجوب قصر است ، اما اگر لا یرید الرجوع لیومه باشد اینجا اختلاف نظر وجود دارد. گفتیم مرحوم صاحب حدائق نسبتاً آراء را استیعاب کرده است هفت رای و قول در این مساله جمع آوری کرده ما این اقوال را به تبیین خودمان اینجا بیان کردیم و بعضی از اقوال را توضیح دادیم.

قول اول: وجوب تقصیر در مسافت تلفیقیه اربعه فراسخ

قول اول که همان قول مختار است اینکه یجب التقصیر در مسافت تلفیقیه ی اربعه فراسخ یعنی مسافت تلفیقیه ی هشت فرسخی که اربعه ذهابا و اربعه ایابا یا به شکلی که در مجموع هشت فرسخ باشد ولو اینکه خصوص اربعه ذهابا یا ایابا نباشد؛ گفتیم تقصیر واجب است مطلقا اراد الرجوع لیومه او لم یرد الرجوع لیومه و صاحب حدائق هم همین قول را اختیار کرده و ابن عقیل هم فرمایششان همین بوده و مرحوم ابن ابی عقیل عمانی از اقدام فقهای ما بوده است .

شیخ انصاری هم ظاهرا همین را اختیار کرده گرچه مرحوم آقای خوئی ره از محقق همدانی چیز دیگری را نقل می کند که بعدا متعرضش خواهیم شد.

قول دوم: وجوب القصر لمن اراد الرجوع لیومه، والاتمام لمن لم یرد

اما قول دوم این بود که گفتیم لمن اراد الرجوع لیومه وجب علیه التقصیر و اما لمن لم یرد الرجوع لیومه وجب الاتمام، گفتیم این قول را هم مرحوم صاحب حدائق به مشهور نسبت می دهد . این قول را مرحوم خوئی ره می فرماید : و نسبة الهمدانی الى الشيخ الانصاری ره اینجا ما هر چه گشتیم ببینیم که مرحوم همدانی آیا به همین نسبتی به شیخ داده یا نداده است دیدیم که اصل به همین نسبتی ثابت نیست و اصل این نسبت توسط آقا رضای همدانی ثابت نیست و خود نظر شیخ انصاری هم ثابت نیست . یعنی اینجا دوتا نسبت وجود دارد که هر دو ثابت نمی باشند.

وقتی آدم به منابع اصلی رجوع می کند می بیند نه اینچنین نیست و از مطالبی که باید بیشتر مورد توجه باشد همین است که وقتی به نسبتی به فقهاء دیدید باید به خود اون منبع هم مراجعه کنید چون نسبت ها گاهی توجه نکرده است و فقیهی به قولی از به جایی به نظرش رسیده و بعد خلطی برایش شده و این قول را بین دیگر قائلین بوده است . به هر حال این هم قولی است که قائل متعدد دارد مرحوم سید مرتضی و ابن ادریس و ..

قول سوم: این بود که من لم یرد الرجوع لیومه یتخیر بین القصر و الاتمام

قول چهارم: من لم یرد الرجوع لیومه یتخیر بین القصر و الاتمام لکن روزه باید گرفته شود

که گفتیم قول شیخ در نهایه است همان قول سوم است که من لم یرد الرجوع لیومه یتخیر بین القصر و الاتمام منتها در صوم استثناء کردند که در صوم متعینا باید روزه بگیرد و مخیر نیست.

مرحوم شیخ در نهایه می فرماید :

و متی کان سفره اربعه فراسخ و لم ...

قول پنجم : التخير لمن يريد الرجوع ليومه و وجوب التقصير لمن لم يرد الرجوع ليومه

عكس قول سوم است قول سوم اين بود كه من اراد الرجوع ليومه وجب عليه التقصير و من لم يرد الرجوع ليومه يتخير بين القصر و الاتمام ؛ قول پنجم عكس اين است يعنى التخير لمن يريد الرجوع ليومه و وجوب التقصير لمن لم يرد الرجوع ليومه

شهيد اول در ذكرى اين نظر را انتخاب کرده اند و اين نظر را به شيخ در تهذيب و مبسوط نسبت داده و به ابن بابويه در كتاب كبير نسبت داده است اين كتاب كبير ابن بابويه از مجهولات است يعنى اجمالاً معلوم است كه ابن بابويه (صدوق پسر) يك كتابى داشته كه گاهى از آن به كتاب العلم تعبير مى كند و گاهى الكتاب الكبير تعبير مى كند كه بعضى از دوستان محقق ما معتقد بودند كه اين كتاب كبير كتاب ديگرى نيست غير از همين كتبى كه از ايشان منتشر شده منتهى همه اين كتب را در يك كتاب جمع مى کرده و گفته كتاب كبير است يعنى توحيد و خصال و معانى الاخبار و ثواب الاعمال و عقاب الاعمال و من لا يحضر و عيون اخبار الرضا .... بوده است . اين حرف بدى نيست چون خيلى مستبعد است كه مرحوم صدوق يك چنين كتابى را داشته باشد و اثرى از آن نباشد.

مرحوم شهيد در ذكرى مى فرمايند :

((و اعلم انّ الشيخ في التهذيب ذهب الى التخير لو قصد أربعة فراسخ و اراد الرجوع ليومه «7» و كذا في المبسوط «8» جمعا بين الاخبار، و ذكره ابن بابويه في كتابه الكبير «1». و هو قوي، لكثرة الأخبار الصحيحة بالتحديد بأربعة فراسخ، فلا أقل من الجواز.<sup>1</sup>))

واعلم ان الشيخ في التهذيب ذهب الى ... الجواز.

ما گفتيم اين نسبت دادن به مرحوم صدوق در فقيه درست نيست چون ايشان در فقيه نظرش اين نيست بلکه نظرش همان قول ثالثى هست كه ما گفتيم يعنى عكس اين قول شيخ در مبسوط هم نظرش عكس اين قول است . ظاهراً يه اشتباهى در برداشت براى مرحوم شهيد در ذكرى حاصل شده كه اين قول را عكسى برداشت کرده است . يعنى قول اين است كه لمن اراد الرجوع ليومه اينها قائل به وجوب تقصير هستند و من لا يريد الرجوع ليومه اينها قائل به تخيير شده اند ولى ايشان عكسش را برداشت کرده است . چون هم شيخ در مبسوط و هم ابن بابويه در فقه عكس اين را به صراحت نظر مى دهند .

ما هم نص كلام فقيه را آورديم و هم نص كلام شيخ را ؛ مرحوم صدوق در فقيه برخلاف اين نظر داده و مرحوم صدوق فرمايشش اين است:

---

<sup>1</sup> ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة؛ ج4، ص: 294

((وَإِذَا كَانَ سَفَرُهُ أَرْبَعَةَ فَرَاسِخٍ وَ أَرَادَ الرُّجُوعَ مِنْ يَوْمِهِ فَالتَّقْصِيرُ عَلَيْهِ وَاجِبٌ وَ إِنْ كَانَ سَفَرُهُ أَرْبَعَةَ فَرَاسِخٍ وَ لَمْ يَرِدِ الرُّجُوعُ مِنْ يَوْمِهِ فَهُوَ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ أَمَّ وَ إِنْ شَاءَ قَصَّرَ<sup>2</sup>))

عبارت شیخ هم این است: ((و حد المسافه التي يجب فيه التقصير ثمانية فراسخ اربعة و عشرون و ان لم يرد الرجوع من يومه كان مخيرا بين القصر والاتمام))

قول ششم: وجوب قصر اذا قصد ثمانية فراسخ و اذا قصد اربعة فراسخ اینجا مخیر است چه اراد الرجوع من يومه و چه لم يرد الرجوع من يومه

قول صاحب مدارک است این هم یک قول استثنایی است حالا اگر چه ایشان این قول را به شیخ نسبت میدهند یا به مرحوم شهید؛ این است که: وجوب قصر اذا قصد ثمانية فراسخ را و اذا قصد اربعة فراسخ اینجا مخیر است چه اراد الرجوع من يومه و چه لم يرد الرجوع من يومه

این با همه ی اقول پنج گانه ی قبلی متفاوت است که اگر هشت فرسخ امتدادی برود اینجا تقصیر بر او واجب است ولی اگر هشت فرسخ تلفیقی بود اینجا مطلقا مخیر است چه اینکه اراد الرجوع لیومه داشته باشد و چه لم يرد الرجوع لیومه باشد؛ اینجا در حقیقت تخیر بین امتدادی و تلفیقی است.

مرحوم صاحب مدارک می فرمایند:

((و جمع الشيخ في كتابي الأخبار بين هذه الروايات بوجه آخر، و هو تنزيل أخبار الثمانية على الوجوب، و أخبار الأربعة على الجواز. و حكاه بعض مشايخنا المعاصرين عن جدي- قدس سره- (مراد شهيد ثانی است چون شهيد ثانی پدر مادر صاحب مدارک است) في الفتاوى، و مال(شهيد اول) إليه في روض الجنان حتى أنه استوجه كون القصر أفضل من الإتمام. و لا ريب في قوة هذا الوجه، (این وجه منافات با روایت دارد) و لا ینافی ما ذکرناه من التخییر رواية معاوية بن عمار المتضمنة لنهي أهل مكة عن الإتمام بعرفات(اهل مكه به عرفات میان و بر

<sup>2</sup> من لا يحضره الفقيه؛ ج1، ص: 436

می گردن بین عرفه و مکه 4 فرسخ است و اینها سفرشان سفر امتدادی نیست و برمی گردند اینجا امام از نماز تمام نمی کنند و این با تأخیر منافات دارد)، لأننا نجيب عنها بالحمل على الكراهة، أو على أن المنهي عنه الإتمام على وجه اللزوم. و الله تعالى أعلم.))<sup>3</sup>

قول هفتم: مسافت تقصیر در هر صورت 4 فرسخ است مطلقا

قولی است که به مرحوم کلینی نسبت داده شده است. ایشان قائل هستند که کلا مسافت تقصیر 4 فرسخ است نه هشت فرسخ لذا اگر کسی 4 فرسخ برود و ان لم یرد الرجوع مطلقا نه اینکه لیومه او لغیر یومه این باید نماز را شکسته بخواند. مرحوم کلینی به این حرف تصریح نکرده اند منتها میگوین چون مرحوم کلینی اولاً کتاب کافی در مقدمه اش نوشته که من این کتاب را برای عمل نوشته ام یعنی به آنچه روایت می کنم، فتوا می دهم بعد در کتاب کافی فقط روایات اربعه فراسخ را آورده است و روایات ثمانية فراسخ را نیاورده است بنابر این نظر ایشان این بوده که اربعه فراسخ حد است، یعنی استنباطی از نظر کلینی است. در حدائق می فرمایند :

((و سابعا- ما ذهب اليه بعض فضلاء متأخري المتأخرين من وجوب التقصير مع قصد الأربعة مطلقا و نسبة مذهبا لثقة الإسلام الكليني في الكافي حكى ذلك بعض مشايخنا المحققين من متأخري المتأخرين، حيث قال بعد الكلام في المسألة و ذكر أخبار الثمانية: ثم اختلفوا في نصف ذلك أي أربعة فراسخ على أقوال شتى، فمنهم من ظاهر كلامه كالكليني ان الأربعة هي المسافة حيث لم يذكر ما سوى أحاديث الأربعة حتى ان بعض مشايخنا كان يدعى له هذا القول و يقويه استنادا الى عدم

---

<sup>3</sup> (مدارك ج 4 ص 437)

وجدان قائل بما من المخالفين «2» و جعل وجه الجمع بين هذه الأخبار و اخبار الثمانية بأن المراد بهذه الأخبار أقل ما يتحقق به تحتم القصر و انه مستلزم للتحتم بالزائد أيضا كما هو ظاهر، فيكون حينئذ تخصيص التعبير بالثمانية في اخبارها لأجل بعض المصالح كمرعاة التقية. انتهى كلام شيخنا المشار اليه. ثم انه (قدس سره) رجح كون اعتقاد الكليني التخيير في قصد الأربعة مطلقا.<sup>4</sup>)

گفته اینجا تعارض است بین روایت ثمانیه و روایات اربعه و در موارد تعارض خذ بما خالف العامه و اربعه فراسخ هم مخالف با عامه هست و بین عامه قول به ثمانیه فراسخ داریم اما هیچ قائلی بین عامه به اربعه نیست و لذا این حد است، و اخبار ثمانیه هم به عنوان مصادیق 4 فرسخی است.

این اقوال در مساله بود و قول اول قول صحیح است و بحث آینده در استدلال بر قول اول در دو بخش است بخش اول استدلال بر قول اول که قول مختار است و بخش دوم در مناقشات سایر اقوال است .

"و السلام علیکم و رحمه الله و بركاته "

---

<sup>4</sup> الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة؛ ج11، ص: 316